

بیانیه به مناسبت محاکمه متهمین حادثه کوی دانشگاه تهران

قوه قضاییه به کجا می‌رود؟

«ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها

و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا باعدل»*

سرانجام یک سال بعد از فاجعه هولناک و جنایات غیر قابل تصور حمله به کوی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز، برخی از متهمین به شرکت در ارتکاب این جنایات (کوی دانشگاه تهران) محاکمه شدند و در میان بهت و حیرت مردم عموماً از تمام اتهامات تبرئه گردیدند.

در سال گذشته، بعد از حمله به کوی دانشگاه تهران و تبریز، قریب به چند صد نفر دانشجوی، که تعدادی از آنان در هیچ یک از تظاهرات تهران و تبریز شرکت نداشتند، و تعدادی هم از مخالفین آشوب و خشونت بودند و سعی و تلاش خود را به کار گرفته بودند که اعتراضات آرام و منطقی دانشجویان، به تظاهرات خشونت‌آمیز نیانجامد، بدون برخورداری از حقوق مدنی و قانونی محاکمه و به زندان‌های طولانی مدت محکوم شدند و یا از دانشگاه و تحصیل محروم گردیدند.

رای دادگاه، اگر چه جمعی از مجروحین و مصدومین حادثه حمله به کوی دانشگاه تهران را که ناقص‌العضو شده بودند، شایسته دریافت دیه از دولت دانست، اما معلوم نکرد که مسئول این جنایات، از آمرین و عاملین، چه کسانی بوده‌اند؟

بخش قابل توجهی از رای دادگاه به توجیه ورود متهمین وابسته به نیروهای انتظامی به کوی دانشگاه اختصاص یافته است. صرف‌نظر از احتجاجات حقوقی در باب رای محکمه که نیروهای انتظامی حق ورود به دانشگاه را داشته‌اند، و قبول این فرض که کوی دانشگاه و اتاق‌های محل سکونت دانشجویان هم، حکم کوچه و خیابان و محل‌های عمومی را دارد، این سؤال مطرح است که آیا این نیروها حق ضرب و شتم دانشجویان که منجر به شکسته شدن دست و پای آنان شد را داشته‌اند؟ آیا حق از بین بردن اموال و لوازم دانشجویان، از قبیل کامپیوتر، یخچال و میز و صندلی و کتاب‌ها و پرتاب این لوازم را، همراه با دانشجویان به بیرون از پنجره داشته‌اند؟ آیا مهاجمان کوی دانشگاه از تبار مغول بودند که هر چه و هر کس را بر سر راه خود یافتند: «سوختند و کشتند و زدند و بردند»؟

در متن رای دادگاه آمده است که در میان متهمین کسانی هستند که با شجاعت در جبهه‌ها جنگیده‌اند و عشق و علاقه خود را به جمهوری اسلامی نشان داده‌اند. فرض کنیم که چنین بوده باشد، اما استدلال

* خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آنها بازگردانید و چون بین مردم داوری می‌کنید دادگرانه داوری کنید.

دادگاه نه تنها مبنای حقوقی ندارد، استدلالی ضعیف و غیرموجه و تعجب‌آور است و ارتباطی با جرم آنان ندارد. آیا چنین سوابقی، به خودی خود موجب رفع اتهام و شبهه از این افراد می‌شود، که دادگاه به آن استناد نموده است؟ در میان اصحاب گرامی پیامبر خدا(ص)، کسانی بودند که سال‌ها در رکاب پیامبر در غزوات و یا در سرایاها شمشیر زده و جنگیده بودند. اما همه می‌دانند که برخی از این اصحاب پیامبر در مراحل بعدی، چه رفتارهایی داشته‌اند. بسیاری از رهبران جریان ناکثین، مارقین و قاسطین، که در نهروان، جمل، صفین با امیرالمومنین علی(ع) جنگیدند از میان همین اصحاب پیامبر(ص) بوده‌اند.

مردم آگاه و هوشیار ایران می‌پرسند پس مسئول جنایات کوی دانشگاه چه کسانی بودند؟ مردم می‌پرسند، چگونه است که از میان مهاجمین لباس شخصی، که نام و نشان تعدادی از آنان، برای همان مقامات نیروهای انتظامی امنیتی و قضایی کاملاً شناخته شده است، حتی یک نفر هم بازداشت و مواخذه نگردیده است. افراد وابسته به این گروه هم‌چنان به اعمال خشونت‌بار و تهاجمی خود به دانشجویان و دگراندیشان ادامه می‌دهند. پشت این «لباس شخصی‌ها» به کجا گرم است که این طور آزادانه هر کاری که بخواهند انجام می‌دهند؟

ریاست محترم قوه قضائیه در واکنش به اعتراضات مردم و نهادها طی سخنانی فرموده‌اند که از رای دادگاه بی‌اطلاع هستند و دخالتی ندارند. این سخن فاقد وجهت قانونی است: اولاً - قانون اساسی وظایف رئیس قوه قضائیه را روشن ساخته است. در بند ۳، از اصل ۱۵۸، در شرح این وظایف آمده است: «استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها از امور اداری بر طبق قانون».

به عبارت دیگر آقای هاشمی شاهرودی باید برای مردم روشن نمایند که آیا دادگاه‌ها در بستن فله‌ای مطبوعات مستقل و حامی رئیس جمهوری، بازداشت سردبیران و روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های اصلاح‌طلب و دگراندیش، رسیدگی به عاملین و آمرین جنایت هولناک حمله به کوی دانشگاه تهران و تبریز، در چارچوب قانون عمل کرده‌اند یا خیر؟

و آیا این عملکردها حاکی از عدالت و شایستگی آنان است؟ اگر ایشان خود را مسئول و جوابگو نمی‌دانند، برای مردم روشن کنند، چه کسی قضات این دادگاه‌ها را منصوب نموده است و چرا ایشان نمی‌توانند آنان را عزل و یا ماموریت آنان را تغییر دهند؟

در اصل ۱۶۱ قانون اساسی آمده است که «دیوانعالی کشور مسئول نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائیه است و موظف است بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه معین می‌کند تشکیل گردد».

جناب آقای هاشمی شاهرودی چه ضوابطی برای انجام وظیفه نظارتی دیوانعالی کشور تعیین کرده‌اند و این دیوان آیا به وظایف خود به درستی عمل کرده و می‌کند یا خیر؟

مردم از جناب آقای هاشمی شاهرودی می‌پرسند «برای اصلاح و مرمت ویرانه‌ای که به قول خودتان از خلف خود تحویل گرفته‌اید تا کنون چه کرده‌اید و چه برنامه‌ای دارید؟»

مردم می‌گویند بعد از انتصاب رئیس جدید قوه قضائیه، رفتار دادگاه‌ها به مراتب بدتر و تخلفات بیشتر شده است و احکام ناحقی صادر شده است.

مردم می‌خواهند بدانند در قبال این همه نارسایی‌ها و انحرافات در این ویرانه‌سرا چه باید بکنند و چه عکس‌العملی باید از خود نشان بدهند؟ در جامعه‌ای که قوه قضائیه و مرکز دادرسی به شکایات مردم بر طبق عدل و انصاف عمل نکند در آن هیچ چیز دوام نخواهد آورد.

دانشجویان مظلوم و ستم‌دیده‌ای که قربانیان اصلی فاجعه جنایت کوی دانشگاه بودند، در سالروز این فاجعه و در برابر رای عجیب و غریب دادگاه و تبرئه مهاجمین، با آگاهی و هوشیاری به منظور معرفی روش‌های اعتراض مسالمت‌آمیز و پرهیز از خشونت، در میان مردم گل توزیع نمودند. سازمان‌های دانشجویی و در راس آن‌ها دفتر تحکیم وحدت، ملایم‌ترین و آرام‌ترین واکنش را انتخاب کرد و جمعی از آنان در جلوی ساختمان مجلس شورای اسلامی، یک روز تجمع و تحصن نمودند و از مجلس شورای اسلامی که اکثریت اعضای آن را اصلاح‌طلبان تشکیل می‌دهند، دادخواهی نمودند.

این مجلس چه گامی در جهت کاهش فشار بر دانشجویان و تامین نظر آنان برداشته است؟ البته دانشجویان می‌توانستند به منظور تظلم و دادخواهی از ستم‌های بر آنان رفته بر طبق یک سنت دیرینه ایرانی در مجلس نمایندگان، که خانه ملت است، بست بنشینند. در زمان‌های گذشته هر زمان که ظلم و ستم صاحبان زر و زور و تزویر مردم را به ستوه می‌آورد و دادخواهی پیدا نمی‌شد، ستم‌دیدگان برای دادخواهی و یا فرار از ظلم و ستم حکام به اماکن متبرکه، یا خانه علمای بزرگ و مراجع، و بعد از مشروطه، در مجلس شورای ملی، متحصن می‌شدند و «بست» می‌نشستند.

اما دانشجویان به چیزی کمتر از آن پرداختند و تنها به یک روز اعتراض آرام در برابر ساختمان مجلس قناعت نمودند. این تحصن چه دستاوردی داشت؟

حق این بود که ریاست محترم مجلس شورای اسلامی دانشجویان را به داخل مجلس دعوت می‌کردند و به اعتراضات و دادخواهی آنان گوش‌دل فرا می‌دادند و مرهمی بر زخم‌های آنان می‌گذاشتند.

نهضت آزادی ایران بر این باور است که رفتارهای گذشته و فعلی دادگاه‌ها، بر اعتبار ملی و بین‌المللی قوه قضائیه ایران به شدت لطمه وارد ساخته است. بدون اصلاح وضع ویران و از هم گسیخته قوه قضائیه و بدون امنیت‌های لازم، نه توسعه سیاسی و تامین حقوق و آزادی‌های اساسی مردم امکان‌پذیر می‌گردد و نه توسعه اقتصادی و کاهش مشکلات زندگی و سختی معیشت مردم.

انتظار عمومی این بود که جناب آقای هاشمی شاهرودی با قبول مسئولیت ریاست این قوه گام‌های موثری برای اصلاح آن و تامین امنیت عمومی بردارند و برنامه مدون و مشخص خود را برای این کار به مردم شریف ایران ارائه دهند. در حالی که رفتار دادگاه‌ها نه تنها بهبودی پیدا نکرده است بلکه از جهاتی بدتر هم شده است.

آیا ریاست محترم قوه قضائیه و مجلس ششم مایل و قادرند به این وضعیت نابسامان کنونی خاتمه دهند؟ نهضت آزادی ایران برخورد قوه قضائیه با دانشجویان و متهمین حمله جنایت‌آمیز به کوی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز را غیرعادلانه و برخلاف آموزه‌های قرآنی و اصول قانون اساسی ارزیابی می‌کند. وظیفه دینی و قانونی رئیس محترم قوه قضائیه ایجاب می‌کند که مسئولیت خطیر قضاوت (الامانات) را به افراد شایسته‌ای واگذار کنند تا داوری بین مردم با عدالت صورت پذیرد و فضای عطرآگین امنیت و آرامش جامعه را متحول سازد و زمینه مناسب برای اجرای برنامه‌های توسعه و رفع مشکلات مردم فراهم شود.

نهضت آزادی ایران